

جایگاه اجتماعی کرینگانی: حوزه‌های کاربردی و نگرش گویشوران

ناصر نوری^۱

دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

عباسعلی زارعی موینی^۲

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۴

چکیده

در این پژوهش، وضعیت جامعه‌شناختی کرینگانی از منظر حوزه‌های مورد کاربرد زبان و همچنین نگرش گویشوران نسبت به این گونه زبانی بررسی شده است. زبان اکثریت جمعیت آذربایجان، ترکی آذربایجانی است. زبان اقلیت مهاجر کرینگانی در تماس با زبان ترکی شرایط خاص جامعه‌شناختی زبانی ایجاد کرده است. ۴۹ نفر کرینگانی با نمونه‌برداری مرحله‌ای جهت پاسخ به سؤالات پرسشنامه به‌عنوان ابزار گردآوری اطلاعات از مناطق مختلف انتخاب شدند. اطلاعات توصیفی مثل فراوانی، درصد و توزیع پاسخ‌دهندگان و پاسخ‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ برای بررسی موارد کاربرد کرینگانی و همچنین نگرش گویشوران نسبت به این گونه زبانی استخراج شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که گرچه کرینگانی در بعضی حوزه‌های خصوصی مثلاً در ارتباط با بعضی اعضای خانواده کم‌وبیش استفاده می‌شود، در سایر حوزه‌ها حتی حوزه‌های غیرضروری مثلاً در رابطه با خواهر و برادر کرینگانی، این گونه زبانی وضعیت پایدار و ایمنی ندارد. اکثر گویشوران نگرش مثبت نسبت به زبان قومی نشان داده‌اند. حمایت لفظی و نگرش مثبت به زبان از یک سو و استفاده محدود و محدودتر از این زبان حتی در بعضی حوزه‌های خصوصی با هم‌زبانان کرینگانی از سوی دیگر، تناقض‌آمیز هست و موضوعی است که نیاز به کنکاش بیشتری دارد.

کلیدواژه‌ها: کرینگانی، حوزه‌های کاربردی، نگرش گویشوران، آذربایجان.

1. nasernoori58@yahoo.com

2. a.zarei@hum.ikiu.ac.ir

۱- مقدمه

این پژوهش به بررسی وضعیت جامعه‌شناختی گویش کرینگانی در آذربایجان می‌پردازد. زبان اکثریت جمعیت مناطق مورد بررسی در این تحقیق ترکی آذربایجانی است و وضعیت کرینگانی در شرایط تماس زبانی (وجود توأمان حداقل دو زبان که در این مورد کرینگانی و ترکی است) مورد بررسی قرار گرفته است. نظر به فقدان یا کمبود پژوهش‌های تجربی در رابطه با وضعیت جامعه‌شناختی گویش کرینگانی، در این مطالعه دو عامل تأثیرگذار در حیات یا مخاطره زبان، یعنی نگرش گویشوران کرینگانی نسبت به این گونه زبانی و حوزه‌های مورد استفاده این گونه، مطالعه شده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌دادن به دو پرسش زیر است:

۱- گویشوران کرینگانی چه نگرشی نسبت به زبان خود دارند؟

۲- گویشوران کرینگانی در موقعیت‌های گوناگون و در ارتباطات روزمره به چه میزان زبان مادری خود را به کار می‌برند؟

فرضیه پژوهش این است که گویشوران کرینگانی نسبت به زبان خود نگرش مثبت دارند؛ یعنی این زبان را به کودکان خود یاد می‌دهند و در میان اعضای خانواده و دوستان و در حریم خصوصی از این زبان استفاده می‌کنند.

کرینگانی

کرینگانی (به فتح یا کسر ک) از جمله زبان‌های بومی در ایران است. در اندک منابع در دسترس در ارتباط با کرینگانی، هم از زبان و هم گویش در اشاره به آن استفاده شده است (عبداللهی، ۱۳۹۳ و صفرزاده، ۱۳۸۶). کرینگانی از شاخه‌های زبان‌های هندواروپایی است که ارتباط و شباهت بسیاری به تاتی و هرزنی دارد. کرینگانی از روستایی به نام کرینگان گرفته شده است. ساکنان روستای کرینگان، منطقه دیزمار و منطقه حسنو و بعضی روستاهای تابعه به این زبان تکلم می‌کنند (فرولی^۱، ۲۰۰۳). کرینگان یکی از روستاهای دیزمار شرقی از بخش مرکزی شهرستان ورزقان آذربایجان شرقی است. دیزمار شرقی در شمال شهرستان ورزقان، از شمال به رود ارس، از جنوب به دهستان اوزومدیل، از مشرق به دهستان مینجوان و حسنو و از مغرب به دهستان دیزمار غربی محدود است.

پژوهش‌های زبان‌شناختی نشان می‌دهد که لهجه‌های امروز شمال غرب ایران، از تاتی و باکو و خلخال هرزنی و کرینگانی تا سمنانی و شه‌میرزادی و خوزی، همه متعلق به گروه زبانی و یادگارهایی از زبانی واحد هستند و میان آنها و لهجه‌های مرکزی که از نزدیکی قم تا حوالی یزد و کرمان و شیراز بدان‌ها سخن می‌گویند از جمله نطنزی، محلاتی، نائینی و لهجه‌های

ساحل دریای خزر مثل گیلکی و طبری و طالشی و تاتی نزدیکی‌هایی وجود دارد (صفرزاده، ۱۳۸۶).

اهالی کرینگان مسلمان و پیرو مذهب شیعه جعفری هستند. اقتصاد این مناطق بر پایه فعالیت‌های زراعی، دامداری، باغداری و پرورش زنبور عسل استوار است. تعداد گویشوران کرینگانی، براساس آمار سال ۲۰۱۴، ۲۱۰۰۰ نفر ذکر شده است (سیمونز^۱ و چارلز^۲، ۲۰۱۷). در طبقه‌بندی اتنولوگ^۳ به‌عنوان پراستنادترین منبع بین‌المللی اطلاعات و آمار زبانی، کرینگانی در زمره زبان‌های در حال تغییر^۴ جا گرفته است، طوری که انتقال بین نسلی زبان صورت نمی‌گیرد و والدین این زبان را به کودکان نمی‌آموزند، اما خود از آن استفاده می‌کنند. بنابراین، در صورت اراده و عزم گویشوران، فعالیت‌ها و تلاش‌های احیای این زبان می‌تواند امکان‌تداوم و بقای کرینگانی را در حوزه خانواده فراهم سازد (همان).

همان‌گونه که در بالا اشاره شد، به دلیل نبود آموزش، رسانه، مطبوعات و... عرصه کاربرد اجتماعی فراخ برای کرینگانی و سایر زبان‌های مشابه در کشور فراهم نیست و اطلاعات اتنولوگ نیز به صورت ضمنی دال بر این هست که در صورت تلاش و فعالیت، فقط امکان حفظ این زبان در حوزه خانه و خانواده وجود دارد نه بالاتر. در بیشتر موارد زوال و مرگ زبان با ازدست رفتن حوزه‌های کارکردی آغاز می‌شود (سوهاوا^۵، ۲۰۰۸). وقتی انتقال بین نسلی زبانی به هر دلیلی در خانواده قطع می‌شود، ناگزیر آوای شوم و غم‌انگیز خاموشی آن زبان در آینده شنیده خواهد شد. بسیاری از گویشوران کرینگانی، به دلایل گوناگون روستاهای خود را ترک و به مناطق شهری دور و نزدیک محل سکونت خود مهاجرت کرده‌اند. شهرستان‌های ورزقان، ارومیه و تبریز مقصد اصلی مهاجران هستند. ترکی زبان مادری این مناطق است و وضعیت زبانی موجود نمونه‌ای از تماس زبانی^۶ است که ترکی در آن زبان مسلط، از نظر منزلت اجتماعی، تعداد گویشور، اقتصاد و... است و گویش کرینگانی در عرصه عمومی به دلیل نبود حمایت اجتماعی یارای مقابله با این زبان را ندارد.

-
1. G. F. Simons
 2. D. F. Charles
 3. <https://www.ethnologue.com>
 4. shifting
 5. H. Suhua
 6. linguistic contact

۲- چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

از عوامل مؤثر در حیات یا مرگ زبان‌ها، حوزه‌های کاربردی زبان و همچنین نگرش گویشوران نسبت به زبان خود است. اسپولسکی^۱ (۲۰۱۲)، حوزه‌هایی مثل حوزه کار، حوزه خانواده و حوزه عبادت و مذهب و غیره را موقعیت‌هایی تعریف می‌کند که گونه زبانی در جامعه می‌تواند نقش ایفا کند. فیشرمن^۲ (۲۰۰۰) معتقد است که گویشوران زبان اقلیت تمایل دارند در حوزه‌های به‌خصوص از زبان خاصی استفاده کنند. برای مثال، زبان مورد استفاده در خانه از زبان مورد کاربرد در کار یا مدرسه متفاوت است. البته در رفتار زبانی، عواملی مانند مخاطب و موضوع مورد بحث نقشی تعیین‌کننده دارد (بیچانی^۳، ۲۰۱۵).

در تعریف گارت^۴ (۲۰۱۰) از نگرش، سه عنصر وجود دارد: ادراکی، عاطفی و رفتاری. بخش ادراکی نگرش روی جهان‌بینی و دیدگاه فرد نسبت به رویدادهای خاص اثر می‌گذارد، عنصر عاطفی به عواطف و احساسات فرد نسبت به ماهیت موضوع متمرکز است و جزء رفتاری به دخالت و اثرگذاری نگرش‌ها به رفتارهای شخص اشاره می‌کند. بیکر^۵ (۱۹۹۲:۹) معتقد است که «در طول زندگی یک زبان، نگرش‌ها نسبت به آن زبان در ترمیم و احیا، حفظ، زوال یا مرگ آن دارای اهمیت است». هولمز^۶ و همکاران (۱۹۹۳) نیز به نقش مؤثر نگرش‌های زبانی در سطوح مختلف تغییر یا حفظ زبان در جوامع چینی و یونانی در نیوزلند تأکید کرده است.

پژوهش‌های جامعه‌شناختی متعددی در چند سال اخیر در ایران، که دارای ۸۰ زبان و گویش است (سیمونز و چارلز، ۲۰۱۷)، در ارتباط با زبان‌ها و گویش‌های مختلف انجام شده است. برای مثال، صفایی (۱۳۸۳)، داورنیا (۱۳۸۵)، بنی‌شرکا (۲۰۰۵ و ۲۰۰۹)، بوسنالی^۷ (۲۰۰۷)، نوری (۱۳۹۳)، قلی‌فامیان (۱۳۹۵)، میرحسینی و اباذری (۲۰۱۶) و رضایی و همکاران (۲۰۱۷) و... از زوایای مختلف به وضعیت جامعه‌شناختی زبان ترکی آذربایجانی و نگرش گویشوران به این زبان در مناطق گوناگون پرداخته‌اند. پژوهش‌های مشابه زیادی درباره سایر گویش‌ها و زبان‌ها نیز انجام شده است.

بشیرنژاد (۱۳۷۹) با بررسی کاربرد فارسی و مازندرانی در میان دانش‌آموزان و معلمان شهرستان آمل به این نتیجه رسیده است که سن، جنسیت، تحصیلات و طبقه اجتماعی عوامل تأثیرگذاری در کاربرد زبان فارسی در حوزه‌های مختلف هستند. ذوالفقاری انارکی (۱۳۸۱)، با

1. B. Spolsky
2. J. A. Fishman
3. S. Bichani
4. P. Garrett
5. C. Baker
6. J. Holmes
7. S. Bosnali

تمرکز بر مباحث حفظ زبان و تغییر زبان، به بررسی گویش بختیاری در شهرستان مسجدسلیمان پرداخته است. مشایخ (۱۳۸۱)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی حوزه‌های کاربردی زبان فارسی و گیلکی شهر رشت پرداخته است. رجب‌زاده (۱۳۸۳)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، تداخل زبان فارسی، مازندرانی و ترکی را در شهر گلوگاه بررسی کرده است. اسماعیلی و همکاران (۱۳۸۶) جایگاه و کاربرد زبان مازندرانی و نگرش‌های گویشوران نسبت به آن را در آمل مورد مطالعه قرار داده‌اند. داوری اردکانی و موسی کاظمی (۱۳۸۷) شرایط تماس زبانی در شهرستان نایین و وضعیت جامعه‌شناختی گویش نایینی را مورد کندوکاو قرار داده‌اند. شیخی (۱۳۹۰) کاربرد دشواژه‌ها (تابوهای زبانی) را در گفتار گویشوران زبان ترکمنی بررسی کرده است. پاکپور (۲۰۱۵) در کتابی با عنوان *هویت‌سازی: مطالعه موردی دختران در رشت* به بررسی تصورات یازده نفر از دختران ۱۷ تا ۲۸ ساله رشتی از هویت خود پرداخته است.

مرادی و رئیسی (۲۰۱۵)، علل تغییر از یک زبان بومی (لری یا کردی) به زبان رسمی (فارسی) را در میان خانواده‌های دهلرانی در استان ایلام بررسی کرده‌اند. رمضانی و همکاران (۱۳۹۳) کاربرد زبان‌های فارسی و مازندرانی در بافت‌های تعاملی مختلف در میان ۱۰۰ گویشور مازندرانی در شهر جویبار مطالعه کرده‌اند. میرزاپور و همکاران (۱۳۹۵) نگرش‌های زبانی در گویش تالشی را مطالعه کرده‌اند. مدرس و مظفری (۱۳۹۷) در پژوهشی اجتماعی-شناختی، تأثیر نگرش گویشوران بر کاربرد تنوعات گونه‌ای زبان فارسی در شهرهای مختلف استان فارس را بررسی کرده‌اند.

وضعیت زبانی در ایران پیچیده است، به طوری که زبان فارسی به‌عنوان زبان غالب و مسلط در تمامی عرصه‌ها از جمله آموزش، ادارات، رسانه‌ها و مطبوعات و... نقش کلیدی دارد. زبان‌های مهم دیگر مثل ترکی، عربی، کردی و... به دلیل گویندگان زیاد، گستردگی این زبان‌ها در کشورهای دیگر، برخورداری از رسانه‌های محلی و... تا حدودی توانسته‌اند وضعیت نسبتاً پایدارتری داشته باشند. اما این زبان‌ها، به‌رغم اهمیت و گستردگی، جایگاهی در نظام آموزشی و اداری کشور ندارند. بیشتر زبان‌های ایرانی را می‌توان در زمره زبان‌های در معرض خطر قلمداد کرد که اطلاعات اندک قابل دسترسی از نهادهای بین‌المللی نیز حکایت از این حقیقت تلخ دارد (سیمونز و چارلز، ۲۰۱۷). برخی از این زبان‌ها به دلیل نداشتن هیچ‌گونه حمایتی از نهادهای مسئول، نبود آموزش و رسانه و سایر عوامل دخیل به سوی زوال و خاموشی می‌روند. به دلیل فقدان هرگونه کار تحقیقاتی، پژوهش حاضر، جانمندی^۱ (نیروی بقا) زبان کرینگانی را در مقابل

1. vitality

زبان ترکی براساس بخشی از معیارهای مرتبط در مدل ارائه‌شده توسط یونسکو (۲۰۰۳)، در آذربایجان (شهرستان تبریز و ارومیه) در بین مهاجران کرینگانی بررسی خواهد کرد. ارزیابی میزان جانمندی زبان شامل مطالعه عوامل اجتماعی خاصی است که بر زندگی، رشد و گسترش جامعه زبانی (خواه این جامعه زبانی در اکثریت باشد یا اقلیت) و گسترش زبان بومی آن جامعه اثر می‌گذارد (محمد و هاشیم^۱، ۲۰۱۲). در نشست تخصصی یونسکو در سال ۲۰۰۳، نه معیار برای تعیین میزان جانمندی زبان تعریف شده است. این معیارها، که بخشی از آنها در این پژوهش برای ارزیابی وضعیت جامعه‌شناختی کرینگانی مورد استفاده قرار خواهد گرفت، عبارتند از: انتقال بین‌نسلی زبان؛ تعداد کل (جمعیت) گویشوران؛ نسبت گویشوران گونه زبانی به کل جمعیت؛ روند کاربرد زبان در حوزه‌های کاربردی موجود؛ پاسخ به حوزه‌های کاربردی نوین و رسانه‌ها؛ وجود مواد و امکانات آموزشی برای آموزش و تحصیل؛ نگرش‌ها و سیاست‌های زبانی؛ نگرش اعضای جامعه زبانی نسبت به زبان خود و میزان و کیفیت مستندسازی زبان. در این مطالعه تنها دو معیار حوزه‌های کاربردی زبان و همچنین نگرش اعضای جامعه زبانی نسبت به کرینگانی مورد بررسی قرار گرفته است.

زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌ها گنجینه‌های بی‌بدیلی هستند، نمایانگر فرهنگ و تمدن تاریخی و کهن، آداب و آیین‌ها و سنن دیرینه مردمان در اعماق تاریخ و مطالعات و پژوهش‌های علمی می‌تواند علاوه بر پویا کردن زبان‌ها و گویش‌ها مقدمه‌ای ارزشمند برای پژوهش‌های دیگر که با زبان ارتباط تنگاتنگ دارند، به وجود آورد. از آنجا که زبان هر قومی آینه تمام‌نمای فرهنگ، آداب و رسوم، اعتقادات، باورها و پیشینه تاریخی آنهاست و زوال آنها باعث از بین رفتن میراث وزین فرهنگی جامعه می‌شود (گرینوبل و ویلی^۲، ۲۰۰۵)، اهمیت و ارزش بررسی‌های زبانی بیشتر آشکار می‌شود.

۳- روش پژوهش

این پژوهش به مطالعه وضعیت جامعه‌شناختی زبان کرینگانی می‌پردازد. هدف پژوهشگر تجزیه و تحلیل فرایند تغییر زبان به نفع زبان مسلط است. تمرکز بیشتر روی حوزه خانواده و بالاخص انتقال بین‌نسلی زبان است که شاخصی گویا از شرایط زبانی در وضعیت تماس زبان‌هاست. در این پژوهش رفتار و الگوی زبانی در حوزه خانواده و همچنین نگرش گویشوران نسبت به این گونه زبانی مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

1. N. Mohamed & N.H. Hashim

2. L. A. Grenoble & L. J. Whaley

سؤالات پرسشنامه، به‌عنوان ابزار رایج در پژوهش‌های علوم اجتماعی، توسط محقق با مطالعه منابع متعدد (برای مثال؛ چسا^۱، ۲۰۱۱؛ نوری، ۲۰۱۵؛ مادامین^۲ و همکاران، ۲۰۱۵ و الاوال^۳، ۲۰۱۷) و استخراج پرسش‌های مرتبط با وضعیت جامعه‌شناختی زبان مورد بررسی با در نظر گرفتن دو معیار مهم دخیل در ارزیابی شرایط این زبان یعنی حوزه‌های کاربردی و همچنین نگرش گویشوران تنظیم شده‌اند. سؤالات قسمت اول پرسشنامه به اطلاعات فردی (مثل جنسیت، سن، محل تولد، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل،...)، سؤالات قسمت دوم به بررسی نگرش پاسخ‌دهندگان و قسمت سوم به بررسی حوزه‌های کاربرد زبان کرینگانی اختصاص یافته است. این پرسشنامه که شامل ۶۰ سؤال بوده است، هم از طریق اینترنت (گوگل درایو) و هم به صورت دستی توزیع و بعد از تکمیل گردآوری شده است. پرسش‌ها تماماً جواب‌بسته و عمدتاً از نوع طیف لیکرتی پنج‌گزینه‌ای بوده‌اند و پرسشنامه از لینک موجود در پانویس هم قابل دسترسی است^۴. تعدادی سؤال با پاسخ بلی یا خیر نیز در پرسشنامه وجود داشت.

تعداد ۶۰ نفر از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای^۵ برای پاسخ به سؤالات پرسشنامه انتخاب شدند. نظر به جمعیت اندک و پراکندگی مهاجران کرینگانی در مناطق مختلف و نبود امکان شناسایی ایشان، ابتدا چند منطقه مهاجرنشین انتخاب شدند. بعد از شناسایی محل تراکم گویشوران کرینگانی، در بعضی محله‌های این مناطق به صورت تصادفی ۶۰ نفر برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. همزمان به تعدادی از این افراد لینک پرسشنامه ارسال شد تا در صورت تمایل بتوانند به صورت آنلاین به پرسشنامه پاسخ دهند و مراحل و روش پاسخ‌گویی آنلاین به صورت فایل ضمیمه ارسال شد و ارتباط از طریق شبکه اجتماعی تلگرام با تعدادی برقرار بود. با این حال، از پژوهش آنلاین استقبال نشد و تنها یک نفر به صورت اینترنتی پرسشنامه را تکمیل کرد. از تعداد ۶۰ پرسشنامه توزیع شده، ۴۹ مورد بعد از تکمیل گردآوری شد.

براساس داده‌های به دست آمده، این پژوهش به دنبال پاسخ سؤالات زیر است:

- ۱- کرینگانی‌ها در چه حوزه‌هایی از زبان مادری خود و در چه مواردی از زبان ترکی استفاده می‌کنند؟
- ۲- کرینگانی‌ها چه نگرشی نسبت به زبان مادری خود و زبان ترکی دارند؟

1. E. Chessa

2. R. Madea-Min

3. T. M. R. Al-Auwal

4. https://docs.google.com/forms/d/e/1FAIpQLSdovx4I4n5mG3C4NFNdLq3VCDNZTdnrziHj0s2EQWZOjNDnSg/viewform?usp=sf_link (<https://goo.gl/forms/UD6A97qW51si2mJF2>)

5. multistage cluster sampling

فرضیه صفر پژوهش را به صورت کلی می‌توان به این شکل مطرح کرد: گویشوران کرینگانی نسبت به زبان خود نگرش مثبت دارند (این زبان را به کودکان خود یاد می‌دهند و در میان اعضای خانواده و دوستان و حوزه حریم خصوصی از این زبان استفاده می‌کنند).

۳-۱- توصیف و تحلیل داده‌ها

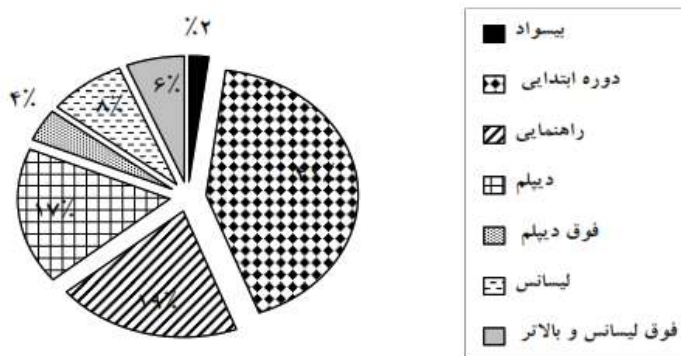
در کل ۴۹ پرسشنامه تکمیل و بازگردانده شد (۴۸ مورد به صورت دستی و فیزیکی و یک مورد به صورت آنلاین). از نسخه ۲۱ نرم‌افزار SPSS، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و همچنین استخراج نمودارها و جداول و روابط مورد نیاز بین متغیرهای مورد نظر استفاده شد. پرسشنامه حاوی ۶۰ سؤال بود که فقط تعدادی از سؤالات که مرتبط با فرضیه پژوهش حاضر بودند بعد از کدگذاری وارد نرم‌افزار شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. ترکیب جنسیتی، سن و تحصیلات پاسخ‌دهندگان به صورت زیر است. جداول و نمودارها برگردان فارسی خروجی نرم‌افزار SPSS هستند و برای کمک به تفسیر و خوانش، تغییرات اندکی در جزئیات و رنگ داده شده است.

جدول ۱- توزیع پاسخ‌دهندگان بر حسب جنسیت

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
زن	۱۲	۲۴	۲۴	۲۴
مرد	۳۷	۷۵	۷۵	۱۰۰
جمع	۴۹	۱۰۰	۱۰۰	

جدول ۲- توزیع پاسخ‌دهندگان بر حسب سن

	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
زیر ۲۰ سال	۴	۸	۸	۸
۲۰-۲۹	۱۰	۲۰	۲۰	۲۸
۳۰-۳۹	۱۶	۳۲	۳۲	۶۱
۴۰-۴۹	۶	۱۲	۱۲	۷۳
۵۰-۵۹	۳	۶	۶	۷۹
بالای ۵۹	۱۰	۲۰	۲۰	۱۰۰
جمع	۴۹	۱۰۰	۱۰۰	



تصویر ۱- توزیع پاسخ‌دهندگان بر حسب میزان تحصیلات

علاوه بر اطلاعات فوق، ۲۱ نفر از پاسخ‌دهندگان (۴۳ درصد) مجرد و ۲۸ نفر (۵۷ درصد) آنان متأهل بودند، که ۲۶ نفر از متأهلین (۹۳ درصد) دارای حداقل یک فرزند بودند. محل تولد ۳۱ نفر (۶۳ درصد) از پاسخ‌دهندگان روستای کرینگان، و محل تولد ۱۸ نفر (۳۷ درصد) شهرستان تبریز است. محل سکونت فعلی ۲ نفر (۴/۱ درصد) از پاسخ‌دهندگان روستای کرینگان، ۳۹ نفر (۷۹/۶ درصد) تبریز و ۸ نفر (۱۶/۳ درصد) شهرستان ارومیه است.

برای پاسخ‌دادن به پرسش اول تحقیق، جهت تسهیل قرائت و تفسیر، نتایج داده‌های کدگذاری شده در نرم‌افزار، پس از تحلیل، استخراج و جدول نهایی پس از تعدیل و ادغام سایر جداول به شکل زیر در جدول ۳ مرتب شده است.

جدول شماره ۳، نتایج کاربرد هر کدام از زبان‌های کرینگانی و ترکی آذربایجانی را به تفکیک در حوزه‌های خانواده، روابط با همسایگان، حالات عاطفی، شمارش و مراسم به درصد نشان می‌دهد. ارقام نشان می‌دهد که ۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان در صحبت با پدر خود فقط از کرینگانی استفاده می‌کنند. ۱۸ درصد در بیشتر مواقع به زبان کرینگانی با پدر حرف می‌زنند. ۱۶ درصد از هر دو زبان استفاده می‌کنند، ۱۲ درصد فقط به زبان ترکی و ۲۷ درصد از پاسخ‌دهندگان بیشتر به ترکی با پدر خود صحبت می‌کنند. این الگوی کاربرد زبان با اندک تفاوتی بین پاسخ‌دهندگان و مادر تکرار می‌شود. ۲۵ درصد فقط کرینگانی، ۲۱ درصد بیشتر کرینگانی، ۱۹ درصد هر دو زبان، ۸ درصد فقط ترکی و ۲۵ درصد بیشتر زبان ترکی را برای صحبت با مادر خود برمی‌گزینند.

جدول ۳- میزان کاربرد کرینگانی در موقعیت‌های گوناگون

پرسش‌ها	فقط کرینگانی	بیشتر کرینگانی	و کرینگانی	فقط ترکی	بیشتر ترکی	جمع (%) معتبر
در صحبت با هر کدام از اعضای خانواده و سایر افراد و موقعیت‌های به شرح زیر از کدام زبان استفاده می‌کنید؟						
پدر	۲۵	۱۸	۱۶	۱۲	۲۷/۱	۱۰۰
مادر	۲۵	۲۱	۱۹	۸	۲۵	۱۰۰
فرزندان	۵	۱۱	۲۵	۲۲	۲۴	۱۰۰
برادر و خواهر	۱۰	۱۶	۳۴	۱۲	۲۶	۱۰۰
پدر و مادر بزرگ	۱۸	۳۸	۱۱	۱۱	۲۰	۱۰۰
تماس تلفنی	۴/۱	۱۰	۴۲	۱۸	۲۴	۱۰۰
دیدار خانوادگی	۶	۱۲	۳۸	۱۸	۲۴	۱۰۰
دیدار خویشاوندان	۳	۱۲	۴۶	۱۶	۲۲	۱۰۰
همسایگان	۰	۸	۳۶	۲۸	۲۶	۱۰۰
ابراز شادی	۳	۶	۴۶	۱۸	۲۶	۱۰۰
بیان عصبانیت	۳	۱۲	۴۰	۲۰	۲۴	۱۰۰
شمارش پول	۲/۱	۱۲	۳۳	۲۲	۲۹	۱۰۰

الگوی استفاده از زبان در فرزندان و خواهران و برادران متفاوت است. فقط ۵ درصد از پاسخ دهندگان، کرینگانی را برای حرف زدن با فرزندان خود انتخاب کرده‌اند. ۱۱ درصد بیشتر به کرینگانی با کودکان حرف می‌زنند. ۲۵ درصد ترکیبی از دو زبان را برای ارتباط با فرزندان ترجیح می‌دهند. ۲۲ درصد فقط به ترکی و ۳۴ درصد بیشتر به ترکی با کودکان خود سخن می‌گویند. در ارتباط کلامی با برادران و خواهران، ۱۰ درصد پاسخگویان در پژوهش فقط کرینگانی را برگزیده‌اند. ۱۶ درصد بیشتر از این زبان در صحبت با خواهران و برادران استفاده می‌کنند. ۳۴ درصد هر دو زبان، ۱۲ درصد فقط ترکی و ۲۶ درصد بیشتر زبان ترکی را برای سخن گفتن با این گروه انتخاب کرده‌اند.

الگوی استفاده از زبان بین پاسخ‌دهندگان و اعضای کهنسال خانواده بسیار جالب و روشن‌گرانه است. ۱۸ درصد از پاسخگویان فقط از کرینگانی در صحبت با این گروه استفاده می‌

کنند. ۳۸ درصد بیشتر به کرینگانی با پدر و مادر بزرگ خود حرف می‌زنند. ۱۱ درصد از هر دو زبان برای ارتباط با این طیف بهره می‌برند. ۱۱ درصد دیگر ترجیح می‌دهند فقط ترکی با بزرگسالان حرف بزنند، درحالی‌که ۲۰ درصد بیشتر از ترکی در چنین مواردی استفاده می‌کنند. در تماس تلفنی با اعضای خانواده ۴/۱ درصد فقط کرینگانی حرف می‌زنند، ۱۰ درصد پاسخ‌دهندگان بیشتر از کرینگانی در این مواقع استفاده می‌کنند. ۴۲ درصد از هر دو زبان، ۱۸ درصد فقط از ترکی و ۲۴ درصد بیشتر از زبان ترکی در تماس‌های تلفنی خانوادگی استفاده می‌کنند.

در دیدارهای خانوادگی، ۶ درصد پاسخ‌دهندگان فقط به کرینگانی حرف می‌زنند. ۱۲ درصد عمدتاً به کرینگانی در این موقعیت‌ها سخن می‌گویند. ۳۸ درصد از هر دو زبان ترکی و کرینگانی در ملاقات خانوادگی استفاده می‌کنند. در این دیدارها ۱۸ درصد فقط به ترکی و ۲۴ درصد بیشتر به ترکی تکلم می‌کنند. در ملاقات خویشاوندان و بستگان، ۲ درصد فقط کرینگانی و ۱۲ درصد بیشتر کرینگانی حرف می‌زنند. این در حالی است که تعداد قابل توجهی (۴۶ درصد) ارتباط دوزبانه را برای این شرایط ترجیح داده‌اند. ۱۶ درصد فقط به ترکی و ۲۲ درصد بیشتر به ترکی با بستگان خود صحبت می‌کنند.

در ارتباط با همسایگان، هیچ‌یک از پاسخ‌دهندگان فقط به کرینگانی حرف نمی‌زنند (صفر درصد). ۸ درصد پاسخگویان با همسایگان خود بیشتر به کرینگانی صحبت می‌کنند. ۳۶ درصد هر دو زبان را در صحبت با همسایگان به‌کار می‌برند. ۲۸ درصد فقط به زبانی ترکی با همسایگان سخن می‌گویند و ۲۶ درصد پاسخ‌دهندگان در چنین مواقعی بیشتر از زبان ترکی استفاده می‌کنند.

در مواقع خوشحالی، ۲ درصد از پاسخ‌دهندگان فقط کرینگانی را برای اظهار شادی خود به کار می‌برند. ۶ درصد بیشتر از این زبان برای بیان حالت عاطفی خود استفاده می‌کنند. ۴۶ درصد استفاده از هر دو زبان را در چنین شرایطی برگزیده‌اند. ۱۸ درصد فقط ترکی را برای ابراز شادمانی استفاده می‌کنند و ۲۶ درصد بیشتر از ترکی برای نشان دادن خوشحالی خود کمک می‌گیرند. برای بیان عصبانیت و نگرانی، تنها ۲ درصد فقط کرینگانی را انتخاب کرده‌اند. ۱۲ درصد بیشتر از کرینگانی برای ابراز خشم استفاده می‌کنند، ۴۰ درصد پاسخ‌دهندگان از هر دو زبان در چنین مواقعی بهره می‌گیرند. ۲۰ درصد فقط به ترکی عصبانیت خود را نشان می‌دهند و ۲۴ درصد بیشتر ترکی را برمی‌گزینند.

تنها ۲/۱ درصد از پاسخ‌دهندگان در عمل شمارش، مثلاً شمارش پول، فقط کرینگانی را به کار می‌برند. ۱۲ درصد بیشتر از کرینگانی و ۳۳ درصد از هر دو زبان در شمردن استفاده می‌کنند. ۲۲ درصد فقط ترکی را برای شمردن ترجیح می‌دهند و ۲۹ درصد آنها بیشتر از ترکی در

شمارش استفاده می‌کنند. جدول شماره ۴ حاوی نتیجه جمع‌بندی تمامی اطلاعات مستخرج از نرم‌افزار برای پاسخ‌گویی به پرسش دوم پژوهش در ارتباط با نگرش پاسخ‌دهندگان نسبت به زبان کرینگانی است.

جدول ۴- نگرش پاسخ‌دهندگان نسبت به کرینگانی

پرسش‌ها	کاملاً موافقم	موافقم	نمی‌دانم	مخالفم	کاملاً مخالفم	جمع (%) معتبر
کرینگانی را دوست دارم و به آن افتخار می‌کنم.	۶۷	۲۸	۳	۲	۰	۱۰۰
افکارم را به راحتی به این زبان بیان می‌کنم.	۴۸	۲۲	۴/۱	۱۰	۱۴	۱۰۰
این زبان برای وحدت کرینگانی‌ها مهم است.	۵۷	۳۸	۰	۳	۲	۱۰۰
کرینگانی نشانه‌ای از هویت فردی است.	۶۳	۲۴	۸	۴/۱	۰	۱۰۰
کرینگانی به من منزلت اجتماعی بالایی بخشیده است.	۴۷	۳۰	۲۲	۸	۰	۱۰۰
کرینگانی در محیط کار خیلی به درد نمی‌خورد.	۴۶	۴۴	۴/۱	۲	۲	۱۰۰
کرینگانی در تحصیل به من کمکی نمی‌کند.	۵۰	۳۱	۱۰	۶	۲/۱	۱۰۰
کرینگانی زبان آبا و اجداد و نیاکان من است.	۹۳	۶	۰	۰	۰	۱۰۰
زبان کرینگانی زبان دوران کودکی بنده است.	۶۵	۶	۰	۸	۲۰	۱۰۰
این زبان بخشی از میراث گذشتگان ماست.	۴۲	۴۸	۸	۰	۰	۱۰۰
این زبان در خانواده ما رو به مرگ است.	۳۶	۲۸	۰	۲۰	۱۴	۱۰۰
مهم است کودکان این زبان را یاد بگیرند.	۴۲	۵۱	۴/۱	۲	۰	۱۰۰
دوست دارم این زبان را در مدارس آموزش ببینم.	۴۴	۴۲	۱۲	۰	۰	۱۰۰
دوست دارم برنامه تلویزیونی و فیلم به این زبان موجود باشد.	۳۶	۵۵	۶	۲	۰	۱۰۰
جهت ارتقای وضعیت اجتماعی ترکی حرف می‌زنم.	۱۴	۵۱	۱۰	۲۲	۲	۱۰۰

داده‌های این جدول، مربوط به نگرش و احساس پاسخ‌دهندگان به دو زبان کرینگانی و ترکی است. پاسخ‌گویان در پژوهش به پانزده عبارت مربوطه در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، نمی‌دانم، مخالفم و کاملاً مخالفم) پاسخ داده‌اند. در پاسخ عبارت «کرینگانی را دوست دارم و به آن افتخار می‌کنم» اکثریت پاسخ کاملاً موافقم (۶۷ درصد) و موافقم (۲۸ درصد) را انتخاب کرده‌اند. ۲ درصد گزینه نمی‌دانم و ۲ درصد نیز مخالفم را انتخاب کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که ۴۸ درصد پاسخ‌گویان کاملاً موافق عبارت «به راحتی می‌توانم افکار خود را به زبان کرینگانی بیان نمایم» هستند. ۲۲ درصد از پاسخ‌دهندگان موافق این عبارت هستند. ۴/۱ درصد گزینه نمی‌دانم را انتخاب کرده‌اند. ۱۰ درصد از پاسخ‌دهندگان با این گویه مخالف و ۱۴ درصد کاملاً مخالف بودند.

داده‌ها حاکی از آن است که ۵۷ درصد پاسخ‌دهندگان کاملاً موافق این امر هستند که کرینگانی برای وحدت و یکپارچگی کرینگانی‌ها حائز اهمیت است. ۳۸ درصد نیز موافق این نظر هستند. ۲ درصد مخالف و ۲ درصد کاملاً مخالف نقش کرینگانی در انسجام قومی کرینگانی هستند. ۶۳ درصد پاسخ‌دهندگان، کرینگانی را نشانه هویت فردی می‌دانند و کاملاً موافق این عبارت هستند، ۲۴ درصد نیز موافق این امر هستند. ۸ درصد گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب

کردند. ۴/۱ درصد مخالفت خود را با این نظر نشان داده‌اند. هیچ پاسخ‌دهنده‌ای نظری کاملاً مخالف با این عبارت نداشته است. تنها ۸ درصد با این گزاره مخالفت کرده است و هیچ نظری کاملاً مخالفی وجود نداشته است.

در بررسی پاسخ‌های عبارت «کرینگانی به من منزلت اجتماعی بالایی بخشیده است»، به ۴۷ درصد کاملاً موافق می‌رسیم، ۲۰ درصد جواب‌ها موافق این گزاره بوده است. ۲۲ درصد پاسخ‌دهندگان گزینه نمی‌دانم را به‌عنوان جواب برگزیده‌اند. نتایج گویه «کرینگانی در محیط کار خیلی به درد نمی‌خورد» نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌دهندگان (۹۰ درصد) کاملاً موافق و موافق، عدم کارآیی و نامفیدی زبان کرینگانی در محیط کار هستند. ۴/۱ درصد از پاسخگویان در تحقیق، گزینه نمی‌دانم را برای این گزاره به‌عنوان پاسخ انتخاب کرده‌اند. ۴ درصد نیز کاملاً مخالف و مخالف این نظر بودند. ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان کاملاً موافق این عبارت هستند که «کرینگانی در تحصیل کمکی به ایشان نمی‌کند»، ۳۱ درصد گزینه موافق را نظری مناسب دانسته‌اند. ۱۰ درصد گزینه نمی‌دانم را انتخاب کرده‌اند، ۶ درصد مخالف و ۲/۱ درصد کاملاً مخالف با این نظر بودند که کرینگانی در تحصیل و آموزش نقشی ایفا نمی‌کند.

۹۳ درصد پاسخ‌دهندگان کاملاً موافق این نظر هستند که کرینگانی زبان آبا و اجداد و نیاکان است. ۷ درصد نیز موافق این گزاره هستند. هیچ پاسخ‌دهنده‌ای مخالفتی با این عبارت نداشته است. در بررسی پاسخ گویه «زبان کرینگانی زبان دوران کودکی بنده است»، ۶۵ درصد پاسخ‌ها کاملاً موافق، ۶ درصد موافق، ۸ درصد مخالف و ۲۰ درصد کاملاً مخالف بوده است. توزیع پاسخ‌های این عبارت تاحدی غیرمنتظره به‌نظر می‌رسد که در قسمت بحث و نتیجه‌گیری توضیح داده خواهد شد. اکثریت نسبی (۹۰ درصد) پاسخ‌دهندگان کاملاً موافق (۴۲ درصد) و موافق (۴۸ درصد) کرینگانی را بخشی از میراث گذشتگان خود دانسته‌اند. تنها ۸ درصد نظری نمی‌دانم را انتخاب کرده‌اند و مخالفتی با این عبارت وجود نداشته است.

در یکی از گزاره‌ها که به‌صورت آشکارا وضعیت حیات زبان کرینگانی را مورد پرسش قرار داده بود، نتایج به این صورت است که ۳۶ درصد کاملاً موافق این باور هستند که زبان کرینگانی در خانواده آنها رو به مرگ و زوال است. ۲۸ درصد موافق، ۲۰ درصد مخالف و ۱۴ درصد کاملاً مخالف این فکر هستند. اکثریت پاسخ‌دهندگان (۹۳ درصد) کاملاً موافق (۴۲) و موافق (۵۱) آموزش کودکان به این زبان هستند، ۴/۱ درصد گزینه نمی‌دانم را انتخاب کرده بود و تنها ۲ درصد مخالف آموزش فرزندان به زبان کرینگانی بودند.

در صورت امکان آموزش و وجود مدرسه، ۴۴ درصد کاملاً موافق و ۴۲ موافق تحصیل به زبان کرینگانی بودند. ۱۲ درصد گزینه نمی‌دانم را انتخاب کردند. ۳۶ درصد کاملاً موافق و علاقه‌مند به وجود برنامه‌های رادیو و تلویزیون و فیلم به زبان کرینگانی بودند. ۵۵ درصد هم

موافق این امر بودند. ۶ درصد نمی‌دانم را انتخاب کردند و فقط ۲ درصد نظر مخالف داشتند. در تحلیل نتایج گزاره «جهت ارتقای وضعیت و موقعیت اجتماعی ترکی حرف می‌زنم»، ۱۴ درصد نظر کاملاً موافق و ۵۱ درصد نظر موافق داشته‌اند. ۱۰ درصد گزینه نمی‌دانم را انتخاب کرده‌اند، ۲۲ درصد مخالف و ۲ درصد کاملاً مخالف این عبارت بودند که ترکی حرف‌زدن موقعیت و منزلت اجتماعی آنها را بالا می‌برد.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

یکی از عوامل تأثیرگذار در تغییر و مرگ زبان، محدود شدن حوزه‌های کاربردی زبان مورد بررسی است (ادگیجا^۱، ۱۹۹۴ و مستری و لیپ^۲ (۲۰۰۰) : نقل در لتشولو^۳، ۲۰۰۹). نتایج مربوط به حوزه‌های مورد استفاده زبان در میان کرینگانی‌ها نشان می‌دهد که کرینگانی‌ها اکثراً از زبان ترکی در حوزه‌های مختلف و در زمان صحبت درباره موضوعات گوناگون با دیگران استفاده می‌کنند، اگرچه آنان در خانه و در میان اعضای خانواده در مقایسه با محیط بیرون خانه نسبتاً از زبان کرینگانی بیشتر استفاده می‌کنند.

جدول ۳ نشان می‌دهد که حدود ۴۵ درصد از پاسخگویان در صحبت با پدر و مادر از زبان کرینگانی استفاده می‌کنند. در صحبت با پدربزرگ و مادربزرگ این میزان به ۵۶ درصد می‌رسد. در عوض، در ارتباط با زبان مورد تکلم با فرزندان تنها ۱۶ درصد پاسخگویان به زبان کرینگانی با کودکان حرف می‌زنند. در دیدارهای خانوادگی، ارتباط با همسایگان، ابراز احساسات و... روند ناامیدکننده‌ای وجود دارد. در بیشتر این زمینه‌ها الگوی کاربرد دوزبانه حکمفرماست که می‌تواند به تدریج عرصه را بر زبان کمتر قدرتمند تنگ‌تر و تنگ‌تر کند. داده‌های این جدول حکایت از این واقعیت تلخ دارد که گویشوران کرینگانی پیرتر می‌شوند و گویشوران جوان آن اندک می‌گردند. زبان مورد استفاده با فرزندان در ۵۶ درصد موارد ترکی و در ۲۵ درصد موارد نوعی دوزبانگی است. به بیان دیگر، تداوم و انتقال بین‌نسلی زبان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ و بقای یک زبان، در زبان مورد بررسی به شدت خدشه‌دار شده است (فارست^۴، ۲۰۱۸) و خانواده از ایفای نقش در تضمین و تداوم حیات زبان خود غافل مانده یا قصور نموده است و اگر روند به همین منوال پیش برود، شنیدن آوای اندوهگین رخت‌برستن چنین گونه‌های زبانی با جمعیت اندک هیچ بعید نیست. کریستال^۵ (۲۰۰۰) معتقد است اگر به

-
1. E. Adebija
 2. R. Mesthrie & W.L. Leap
 3. R. Letsholo
 4. W. Forrest
 5. D. Crystal

هر دلیلی زبانی از نسلی به نسل دیگر منتقل نشود، وضعیت جامعه‌شناختی آن زبان ورای حالتِ مخاطرهٔ صرف است و در حقیقت این زبان رو به مرگ و فنا می‌رود، درست مثل وضعیتی که یک گونهٔ جانوری یا گیاهی توانایی تولید مثل ندارد.

همان‌طور که در بالا اشاره شد، در حوزه‌های جمعی، محیط اطراف و همسایگان، استفادهٔ توأمان ترکی و کرینگانی (حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد) الگوی رایج کاربرد زبان است. به‌باور فیشمن (۱۹۸۹)، در چنین شرایطی تغییرات زبانی و فرهنگی اجتناب‌ناپذیر است. تغییر زبان به‌معنای دگرگونی زبانی معمول در واژگان، معنا، ساختار و آواها به‌طور پیوسته در بین زبان‌های در حال تماس رخ می‌دهد. در این فرایند، زبان اقلیت از هر سو آماج حملات زبان مسلط می‌شود و در بسیاری مواقع، عرصه را به نفع رقیب ترک می‌گوید.

عامل مؤثر دیگر در حفظ و پاسداشتِ زبان، نگرش (فردی و گروهی) نسبت به بقای زبان و هویت قومی خود است. برطبق نتایج جدول ۴، نگرش مثبتی نسبت به کرینگانی در میان پاسخگویان وجود دارد. بیشتر پاسخگویان زبان مادری خود را دوست دارند و به آن مباحثات می‌کنند. آنان می‌توانند به‌راحتی افکار و اندیشه‌های خود را به این زبان بیان کنند. پاسخگویان زبان کرینگانی را برای وحدت و همبستگی قومی لازم و ضروری می‌شمارند. به‌باور بیشتر آنان، زبان کرینگانی سمبل و نماد هویت فردی و اجتماعی است. به علاوه، تعداد زیادی از پاسخگویان به غیرمفیدبودن این زبان در آموزش، محل کار و اجتماع اشاره کرده‌اند. بیشتر پاسخ‌دهندگان، کرینگانی را زبان پیشینیان، زبان دوران طفولیت و بخشی از میراث گذشتگان خود می‌دانند.

اکثریت نسبی معتقدند که زبان کرینگانی در خانهٔ آنان رو به زوال و انحطاط است. بیشتر آنان بر اهمیت یادگیری این زبان به‌وسیلهٔ کودکان اذعان کرده‌اند. بیشتر پاسخ‌دهندگان به ترویج و آموزش این زبان در مدارس و پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی به این زبان ابراز علاقه کرده‌اند. تعداد قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان دلیل استفاده از زبان ترکی را بهبود و ارتقای جایگاه اجتماعی خود اعلام کرده‌اند.

نگرش زبانی مثبت گویشوران تاحدودی با محدودیت حوزه‌های کاربردی زبان کرینگانی (حتی در حوزه‌های غیرضروری) در تناقض است. انتظار می‌رود گویشوری که نسبت به زبان مادری خود دغدغه و نگرانی دارد، حداقل و حتی‌الامکان در حوزه‌های موجود، مثلاً در صحبت با خواهر و برادر خود، بیشتر به زبان قومی تکلم کند. این تضاد و تناقض نیاز به بررسی و کنکاش بیشتر دارد تا علل و دلایل چنین رفتار زبانی روشن شود.

دوزبانگی الگوی مسلط کاربرد زبان در میان گویشوران است که در نهایت می‌تواند به فرسایش و زوال تدریجی زبان ضعیف‌تر منجر شود. به‌اعتقاد سویگرز^۱ (۲۰۰۷)، دوزبانگی تنها زمانی می‌تواند به ادامه حیات زبان ضعیف کمک کند که این دوزبانگی کم‌وبیش دوزبانگی پایدار^۲ باشد، یعنی هر دو زبان در شرایط تماس زبانی نقش مکمل یکدیگر را ایفا کنند. اتفاقی که به‌باور وی، متأسفانه در عمل رخ نمی‌دهد و زبان‌های ضعیف معمولاً به حاشیه رانده می‌شوند و به تدریج نقش و کارکردشان در مواجهه با زبان مسلط کم‌رنگ می‌شود.

وقتی یک زبان کارکردهای خود را به زبان دیگر واگذار می‌کند، مرگ تدریجی زبان رخ می‌دهد (هولمز، ۲۰۰۰). در شرایط مرگ تدریجی زبان، موقعیت‌هایی که گویشوران گونه زبانی کمتر قدرتمند به آن تکلم می‌کنند، کم می‌شود و گویشوران رفته‌رفته مهارت خود در این زبان را از دست می‌دهند. مرگ تدریجی زبان زمانی اتفاق می‌افتد که زبانی ضعیف در تماس با زبان قوی قرار می‌گیرد. در شرایط تماس زبانی، با گذشت زمان معمولاً تعداد گویشوران زبان ضعیف کمتر می‌شود (رنکو-میشلسن^۳، ۲۰۱۳). گرچه عمده مسؤلیت حفظ و پاسداری از زبان قومی با جوامع زبانی و خانواده‌هاست، با این حال نباید از نقش دولت‌ها در ترویج و تبلیغ تنوع فرهنگی و زبانی با تدوین و ارائه خط مشی علمی و کارشناسانه در سیستم آموزشی، پژوهشی و فرهنگی غافل ماند. در این پژوهش، وضعیت این گویش زبانی به‌عنوان زبان مهاجران کرینگانی در تماس با زبان ترکی بررسی شد. بررسی تطبیقی وضعیت این زبان در روستاهای مبدأ و محل سکونت دائمی و اولیه گویشوران و همچنین زبان مهاجران می‌تواند جالب و روشنگرانه باشد.

همانطوری که در قسمت چارچوب نظری اشاره شده است، مدل مورد استفاده در این پژوهش مدل ارائه‌شده توسط یونسکو (۲۰۰۳) می‌باشد که نه معیار برای تعیین میزان جانمندی زبان تعریف کرده است. در این پژوهش فقط تعدادی از این معیارها بررسی شده است. در پژوهش‌های آتی می‌توان با بررسی معیار کاربرد زبان در حوزه‌های رسمی از قبیل آموزش و رسانه، شرایط تماس زبانی را به لحاظ نقش و کارکرد زبان فارسی مورد کنکاش قرار داد.

در هر حال، ذکر این نکته ضروری است که پژوهشگران حاضر به این نکته اشراف داشتند که تعداد بیشتر پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه طبیعتاً می‌توانست به پایایی نتایج به

1. P. Swiggers
2. stable bilingualism
3. Z. Renkó-Michelsén

دست‌آمده کمک کند. ولی به‌دلیل جمعیت کم و پراکنده جامعه آماری مورد پژوهش، دسترسی به تعداد بیشتری از پاسخگویان امکان‌پذیر نبود. از سوی دیگر، تعدادی از پاسخگویان هم با پژوهشگران همکاری کامل نداشتند و به‌طور کامل به پرسشنامه‌ها پاسخ ندادند. از این رو توصیه می‌شود در صورت امکان علاقه‌مندان همین پژوهش را با نمونه آماری بزرگتر انجام دهند که در این صورت امکان بررسی متغیرهای اجتماعی مثل سن، جنسیت، تحصیلات و سایر متغیرها امکان‌پذیر خواهد بود و نتایج را می‌توان به کل جامعه آماری تعمیم داد.

منابع

- اسماعیلی، محمدرضا، حسن بشیرنژاد و مهرداد روحی‌مقدم (۱۳۸۶). «بررسی جایگاه و کاربرد زبان مازندرانی و نگرش‌های گویشوران نسبت به آن در شهرستان آمل». *پژوهشنامه علوم انسانی*. ش ۵۶، ۲۸-۱.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۷۹). *بررسی جایگاه و کاربرد زبان فارسی و مازندرانی در میان معلمان و دانش‌آموزان متوسطه شهرستان آمل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی.
- رجب‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۸۳). *برخورد زبانی میان فارسی و مازندرانی و ترکی در شهرستان گلوگاه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی.
- رضانی، احمد، آتوسا رستم‌بیگ تفرشی و خدیجه واسو جویباری (۱۳۹۳). «بررسی کاربرد زبان های مازندرانی و فارسی در شهر جویبار». *زبان‌شناخت*. س ۵، ش ۲، پاییز و زمستان، ۵۰-۳۱.
- داوری اردکانی، نگار و سید مهدی موسی‌کاظمی (۱۳۸۷). «گویش ناپینی: بقا یا زوال؟». *گویش‌شناسی*. س ۵، ش ۷. چاپ اسفند، ۴۲-۵۴.
- داورنیا، عباس (۱۳۸۵). *علل و شاخصه‌های تغییر زبان ترک‌های تهران*. تهران: اندیشه نو.
- ذوالفقاری انارکی، سیما (۱۳۸۱). «گویش بختیاری: بقا یا زوال؟» *نامه انسان‌شناسی*. سال اول، ش ۱، بهار و تابستان، ۱۷۷-۱۴۷.
- شیخی، تهمینه (۱۳۹۰). «بررسی کاربرد دشواژه‌ها در گفتار گویشوران زبان ترکمنی». *زبان‌شناخت*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. س ۲، ش ۲، پاییز و زمستان، ۱۱-۲۴.

- صفایی، اسماعیل (۱۳۸۳). بررسی نگرش دانش‌آموزان دوزبانه شهر مرند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صفرزاده، حبیب (۱۳۸۶). «پژوهشی در گویش تاتی شمال خراسان و کاربرد آن در تصحیح و شرح متون ادب فارسی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. س ۴۰، ش ۴، ۶۹-۹۰.
- عبداللهی، زهرا (۱۳۹۳). «روستای کرینگان با زبان تاتی/ زبانی که هیچکس بلد نیست». برگرفته از <https://www.farsnews.com/news/13930603000607> تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۴.
- قلی‌فامیان، علیرضا (۱۳۹۵). «گویش‌شناسی ادراکی؛ مطالعه‌ای موردی از ترکی آذری در شهرستان شبستر». *جستارهای زبانی*. دوره ۷، ش ۶ (پیاپی ۳۴)، ویژه‌نامه پاییز، آذر و دی، ۷۳-۹۶.
- مدرسی، یحیی و شراره مظفری (۱۳۹۷). «تأثیر نگرش گویشوران بر کاربرد تنوعات گونه‌های زبان فارسی در استان فارس: پژوهشی اجتماعی- شناختی». *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*. دوره ۲، ش اول، پیاپی ۳، ۲۲-۵۰.
- مشایخ، طاهره (۱۳۸۱). بررسی کاربرد فارسی و گیلکی در شهر رشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرزاپور، فاطمه، محرم رضایتی کیشه‌خاله و سیدهاشم موسوی (۱۳۹۵). «بررسی نگرش‌های زبانی در گویش تالشی». *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۱۲، ش ۲۳، ۹۹-۱۲۹.
- نوری، ناصر (۱۳۹۳). «تأثیر عوامل مهاجرت برون‌قومی و ازدواج بین‌قومی در میزان مخاطره یا ایمنی زبان ترکی آذربایجانی». *زبان و زبان‌شناسی*. س ۱۰، ش اول، پیاپی ۱۹، ۳۷-۵۴.
- Adegbija, E. (1994). *Language attitudes in Sub-Saharan Africa: A sociolinguistic overview*. Clevedon, UK: Multilingual Matters.
- Al-Auwal, T. M. R. (2017). "Reluctance of Acehnese Youth to Use Acehnese". *Studies in English Language and Education*, 4(1), 1-14.
- Baker, C. (1992). *Attitudes and language*. Clevedon: Multilingual matters.
- Bani-Shoraka, H. (2005). "Code-switching and preference marking: Disagreement in Persian/Azerbaijani bilingual conversation". *Proceedings of the 4th International Symposium on Bilingualism*. Somerville, MA: Cascadilla Press, 186-198.
- Bani-Shoraka, H. (2009). "Cross-generational bilingual strategies among Azerbaijanis in Tehran". *International Journal of the Sociology of Language*, 198: 105-127.

- Bichani, S. (2015). *A Study of Language Use, Language Attitudes and Identities in Two Arabic Speaking Communities in the UK*. PhD thesis, University of Sheffield.
- Bosnali, S. (2007). *Azerbaijani Turkish in Iran: A Sociolinguistic Study [Iran Azerbaycan Turkcesi: Toplumdilbilimsel Bir Inceleme]*. Istanbul: Kebikec Yayinlari.
- Chessa, E. (2011). *Another case of language death? The intergenerational transmission of Catalan in Alghero*. Published PhD dissertation. Queen Mary, University of London.
- Crystal, D. (2000). *Language Death*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Fishman, J. A. (1989). *Language and ethnicity in minority sociolinguistic perspective*. England: Multilingual Matters LTD.
- Fishman, J. A. (2000). "Who speaks what language to whom and when?". *The bilingualism reader*. Wei, L. (ed.), London: Routledge, 89-106.
- Forrest, W. (2018). "The intergenerational transmission of Australian Indigenous languages: why language maintenance programmes should be family-focused?" *Ethnic and Racial Studies*, 41(2), 303-323.
- Frawley, W. J. (2003). *International Encyclopedia of Linguistics*. Volume 3. Oxford: Oxford University Press.
- Garrett, P. (2010). *Attitudes to Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Grenoble, L.A. & Whaley, L.J. (2005). *Saving Languages: An Introduction to Language Revitalization*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Holmes, J., M. Roberts, M. Verivaki & A. Aipolo (1993). "Language maintenance and shift in three New Zealand speech communities", *Applied Linguistics*, 14 (1), 1-24.
- Holmes, J. (2000). *An Introduction to Sociolinguistics*. London: Longman.
- Letsholo, R. (2009). "Language maintenance or shift? Attitudes of Bakalanga youth towards their mother tongue". *International Journal of Bilingual Education and Bilingualism*. 12(5), 581-595.
- Madea-Min, R., M. Lukman, M. Darwis, & D. T. Maknun (2015). "The Buginese Language Shift in South Sulawesi". *International Journal of Enhanced Research in Science Technology & Engineering*, 4 (2), 1-5.
- Mesthrie, R., & Leap, W.L. (2000). "Language contact 1: Maintenance, shift and death". *Introducing sociolinguistics*. R. Mesthrie, J. Swann, A. Deumert, and W.J. Leap (eds.), Philadelphia: John Benjamins, 248-78.
- Mirhosseini, S. A. & P. Abazari (2016). "My Language is Like My Mother: Aspects of Language Attitudes in a Bilingual Farsi-Azerbaijani Context in Iran". *Open Linguistics*, 2, 373-385.

- Mohamed, N., & N.H. Hashim (2012). "Language Vitality of the Sihan Community in Sarawak, Malaysia". *Kemanusiaan*. 19(1), 59–86.
- Moradi, N., & Raeesi, H. (2015). "From Vernacular to Official Language: A Case Study of Language Shift in Iran". *International Journal of Educational Investigations*. 2(1), 25-36.
- Nouri, N. (2015). "Is Azerbaijani Turkish an endangered language? Language attitudes among Azerbaijani youth in Tabriz". *Theory and Practice in Language Studies*, 5(7), 1476-1481.
- Pakpour, P. (2015). *Identity Construction: The Case of Young Women in Rasht*. Uppsala: Uppsala University Press.
- Renkó-Michelsén, Z (2013). "Language Death and Revival: Cornish as a minority language in UK". *Journal of Estonian and Finno-Ugric Linguistics*, 4(2), 179–197.
- Rezaei, S., A. Latifi, & A. Nematzadeh (2017). "Attitudes towards Azeri language in Iran: a large-scale survey research". *Journal of Multilingual and Multicultural Development*. 38(17), 931-941.
- Simons, G. F. & D. F. Charles (eds.) (2017). *Ethnologue: Languages of the World, Twentieth edition*. Dallas, Texas: SIL International. Online version: <http://www.ethnologue.com>.
- Spolsky, B. (2012). "Family language policy- the critical domain". *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 33(1), 3-11.
- Suhua, H. (2008). "Assessment of the Social Functions and Vitality of the Yi Language from the Perspective of its Domains of Use." *Chinese Education and Society*, 41(6), 61-70.
- Swiggers, P (2007). "Two key concepts of language endangerment: language obsolescence and language death". *Linguistica*, 47(1), 21-33.
- UNESCO (2003). "Language vitality and endangerment: UNESCO ad hoc expert group on endangered languages". Accessed May 4, 2010 from www.unesco.org/culture/ich/doc/src/00120-EN.pdf